

متن سخنرانی جناب آقای مهندس محمد عطار دیان
دبیر کل محترم کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران
در اولین همایش مزد و بهره وری ، ۱۱ اسفندماه ۱۳۹۲

به نام خداوند جان و خرد

با عرض سلام حضور گرامی خانم ها و آقایان ، دولتمردان و صاحب منصبان، همچنین نمایندگان عزیز و محترم تشکل های کارگری و کارفرمایی ،

سعی می کنم عرایض خود را مختصر معروض دارم تا در زمان محدود که داریم مطالب لازم را بتوانم بیان کنم .

مزد در بنگاه ها و سازمان های تولیدی و خدماتی سطوح مختلف دارد که کمترین آن حداقل دستمزد است . البته این شامل اقتصاد رسمی است زیرا اقتصاد غیررسمی که متأسفانه سهم بزرگی در همه کشورها ، بخصوص در کشورهای توسعه نیافته و یا در حال توسعه دارد از قوانین مدون پیروی نمی کند و شیوه ی خود را دارد.

چگونگی هدایت اقتصاد غیررسمی و تبدیل آن به اقتصاد رسمی خود مقوله ی دیگریست که امروز موضوع ما نیست و بدیهی است رها شدن اقتصاد های غیر رسمی خود مشکلات و گرفتاری ها و ناهنجاری هایی را به بار می آورد که باید برای شکوفا شدن اقتصاد هر کشور آن را در عرصه جامعه به کمترین میزان خود رساند . فعلاً از این امر می گذریم.

حداقل دستمزد لازم است به میزانی باشد که معیشت یک خانواده با تعداد عائله متوسط را در حداقل تناسب تامین کند .

آیا این در کشور ما در زمان کنونی میسر است ؟

به نظر اینجانب خیر. زیرا ظرفیت اقتصاد ما باندازه ای نیست که بتوان چنین کرد. کارگران شریف و زحمت کش ما مجبورند امور زندگی خود را با اضافه کاری های کشنده و یا دو شغله بودن با در دسر زیاد

به نحوی بگذرانند و تازه همین دستمزد ناکافی، بسیاری از زمان ها با تاخیر پرداخت های چندین ماهه مواجه است . راستی چرا چنین می شود.

زیرا مدیران ، صاحبان بنگاه ها و بطور کلی کارفرمایان بخش خصوصی که تعهد پرداخت دستمزد کارگران و تامین حداقل معیشت آنان را دارند ، خود نیز با بحران های کشنده و نا به سامانی های فراوانی روبرو هستند و در همه عرصه ها مورد اجحاف قرار می گیرند ، از یک طرف زیر فشار اقتصاد دولتی و شبه دولتی هستند که نمی توانند با آن رقابت کنند و از طرفی نادرست بودن و بعضی اوقات متناقض بودن قوانین و مقررات و حتی اجرا نشدن بسیاری از قوانین مفید و همچنین تغییرات ناگهانی قوانین و مقررات و تغییرات سریع مدیریت ها آنها را بلامتکلیف می کند و امکان مدیریت درست و برنامه ریزی صحیح را از آنها می گیرد. مهم تر از همه آنکه بسیاری از اوقات مطالبات آنها از مردم ، و یا اگر با بنگاه ها و دولت طرف معامله باشند ، عدم وصول مطالبات آن ها از دولت و مردم آنها را تحت فشار شدید و کمبود نقدینگی قرار می دهد و یا اگر با سود و کارمزد کشنده با وام گرفتن از بانک ها یا بازار نقدینگی خود را جبران کرده باشند بدهی هایشان بلا پرداخت می ماند که خود گرفتاری های عظیمی را موجب می شود. بسیاری از بنگاه ها و کارگاه ها در این جریان ورشکست می شوند و یا تعطیل می گردند . که این خود اقتصاد و تولید ناخالص ملی را مواجه با خسران می نماید.

بدیهی است در چنین حالتی کارگران و دستمزد بگیران همان حداقل حقوق نامناسب خود را هم نمی توانند به موقع خود دریافت کنند .

البته بعضی از مشاغل و کارگاه ها رونق خود را علی رغم همه این مشکلات بطور استثنا تا حد زیادی حفظ کرده اند. که بسیار نادرند و تعداد آنها قابل اعتنا نیست . در این قبیل کارگاه ها و مشاغل، کارفرمایان می توانند بدون اعتنا به حداقل دستمزد به میزان کافی به کارگران و کارمندان خویش پرداخت کنند و رضایت آنها را فراهم نمایند زیرا کارگر و کارفرما هر دو نیازمند یکدیگرند ، و اگر عوامل خارج از کارگاه و بنگاه برای آنها تولید اشکال ننمایند ، آنها مسائل درونی خویش را برطرف می کنند. در این مورد مثال های فراوانی هست ولی چون این موارد در اقلیت کامل هستند از آنها می گذریم.

از مطالب پیش گفته می‌خواهم به این نقطه برسم که مشکل پرداخت و تعیین حداقل دستمزد مناسب مشکلی بین کارفرمایان و کارگران نیست و نباید این دو را با هم درگیر کرد. مشکل ما اقتصاد بیمار و ناپایدار ما است که امید داریم با پیاده کردن خصوصی سازی و "قانون اصلاح قانون مالیات مستقیم و رفع موانع تولید" و نیز "قانون توسعه مستمر محیط کسب و کار" که هنوز فاقد آئین نامه هم هستند راه توسعه و شکوفایی گشوده شود. همچنین باز شدن مرزهای اقتصادی کشور با همه دنیا، که همه این امور لازمست به گفتگوهای دوجانبه و سه جانبه گذاشته شوند و پیرو آن کار شایسته را در کشور پیاده کنند و قوانین همه عرصه های اقتصادی را با مشارکت تشکل های مربوط به آن بخش ها تدوین نمایند. یعنی به دیگر سخن دولت خود را متولی همه چیز نداند و با مشارکت خود مردم راه توسعه پایدار و شکوفایی اقتصاد را هموار و آن را پیاده نماید.

از هدر دادن سرمایه ها و دارائی های ملی خودداری شود و همانطور که دولت تدبیر و امید اعلام کرده است یارانه ها را در حداقل خود و حداکثر تا میزان ۲۵ درصد افراد مشمول فعلی پرداخت کنند و با تدوین ضابطه ای برای پرداخت یارانه، که تا میشود غیرنقدی پرداخت گردد، از شوراهای محلی معتمد و با حضور مامور آمار افراد مشمول را در هر منطقه شناسایی نمایند و فقط به آن ها یارانه بدهند. در آن صورت اگر کارگاه ها و بنگاه ها رونق یابند می توان حداقل دستمزد مناسب و به تبع آن همه سطوح دستمزد ها را آنطور مشخص کرد که زندگی ها و معیشت خانوارها در همه سطوح قابل قبول گردد. اما بهره وری را چگونه می توان پیاده کرد.

اولاً دستمزد، کمک اندکی به بهره وری می کند. بدیهی است هر کارگر با داشتن زندگی نسبی بدون دغدغه، برای کار و بهره ور بودن بسیار آماده تر از کارگر ناراضی و پر دغدغه است ولی این تنها کافی نیست. برای بهره ور بودن کارائی لازمست و کارگری کارایی دارد که آموزش دیده باشد و کار را بشناسد و بداند چگونه باید کار کند تا بهترین بازده را داشته باشد.

عامل دیگری که برای بهره وری لازم است انگیزه است. کارگری که بهره وری دارد بدین معنی است که کار را در کوتاه ترین مدت، و با کیفیت مورد قبول به انجام می رساند. در این مورد ایجاد رفاه، رعایت

قوانین ، بیمه کامل کارگر و خانواده اش در حیات او و پس از آن و انجام مناسب سایر امور دغدغه های او را در هنگام انجام کار برطرف می کند و بازده کارگر را بالا می برد .

دیگر ، نحوه ی مدیریت کار است که ایجاد انگیزه می کند . مثلاً در بسیاری از انواع کارها ، پس از تدوین استانداردهای هرکار می توان حقوق یا دستمزد کار را در ساعات قانونی کار ، معادل حجم یا وزن مشخصی از کار تعیین کرد تا قابلیت کارگران بنگاه در مقایسه با هم مشخص شود . کارگری که بیش از حجم یا وزن مشخص، که در کارگاه با مشارکت خود کارگران تعیین می شود ، کار برابر استاندارد تحویل نماید می تواند معادل آن دستمزد اضافه ای بگیرد و کارگری که توان رسیدن به میزان حداقل تولید ندارد به شغل دیگری در کارگاه که توان آن را داشته باشد گمارده می شود . از این قبیل تمهیدات برای ایجاد انگیزه و رقابت سالم در محیط کار می توان بهره برد.

بنابراین برای بهره وری باید :

- ۱ – دستمزد یا حقوق مناسب زندگی کارگران و کارمندان تأمین شود
- ۲ – آموزش کامل و ایجاد مهارت در کارگران قبل از شروع کار آن ها انجام گردد . این امر یا باید توسط سازمان فنی و حرفه ای، موسسات آموزش مهارت بخش خصوصی و یا قسمت آموزش مهارت کارگاه انجام و گواهی لازم به کارگر داده شود .
- ۳ – دولت بستر لازم را برای پیاده سازی اقتصاد بخش خصوصی با مشارکت تشکل های کارفرمایی و کارگری آماده کرده باشد .
- ۴ – قوانین و مقررات هر حرفه و صنعت با حضور و تصویب صاحبان آن حرفه یا صنعت تدوین گردند و مجلس شورا بدون تأیید و امضای پیش نویس قوانین توسط تشکل های مربوط لایحه ای را برای بررسی نپذیرد .
- ۵ – نقدینگی کارگاه ها و گردش آن با برنامه ریزی تأمین گردد .
- ۶ – تسهیلات لازم بانکی با کارمزد و سود بسیار کم برای جبران کمبود نقدینگی کارگاه ها در اختیار آنها

باشد و بعنوان وثیقه ، نفس کار مورد قبول قرار گیرد .

۷ - قوانین گمرک و صادرات و واردات عادلانه و در جهت تسهیل امور مربوط اصلاح شوند .

۸ - معادن و منابع سطحی و زیرزمینی کشور دارایی ملی است ، سرمایه ملی نیست ، اگر آنها را خام صادر می کنیم باید درآمد آن صرف توسعه کشور و انجام کارهای زیربنایی گردد تا توسعه و شکوفایی جایگزین این دارایی ها شوند و پس از خالی شدن منابع تولیدات کشور جایگزین آن ها گردند . این درآمدهای دارایی ها نباید صرف پرداخت یارانه شوند .

۹- از راهی که کشورهای توسعه یافته رفته اند و موفق بوده اند الگوبرداری شود و آن ها را پس از بومی سازی به اجرا درآورند.

۱۰ - سایر برنامه ریزی های دقیق با مشارکت سه جانبه تدوین و اجرا شوند .

اینجانب سخن را در همین جا کوتاه میکنم و از تضييع وقت همه عزیزان حاضر عذر می طلبم .

با تشکر

محمد عطار دیان

دبیر کل کانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایی ایران